

نقش میانجی دلبستگی والدین و همسالان در رابطه بین تروماهای دوره کودکی و خودکارآمدی با شخصیت جامعه‌ستیزی در نوجوانان

The Mediating Role of Attachment to Parents and Peers in the Relationship between Childhood Traumas and Self-Efficacy with Psychopathic Personality in Adolescents

Paria Mardanshahi, MSc

Abbas Abolghasemi, PhD[✉]

Reza Soltani-Shal, PhD

پریا مردانشاهی^۱

عباس ابوالقاسمی^۲

رضا سلطانی شال^۱

Abstract

Psychopathy, as a complex personality disorder, affects an individual's interactions and perception of emotions and can lead to harmful behaviors. The present study aimed to investigate the mediating role of attachment to parents and peers in the relationship between childhood traumas and self-efficacy with psychopathic personality in adolescents. This study was a cross-sectional study with a correlational design. The research sample consisted of 382 tenth and eleventh-grade students who were selected through convenience sampling from all high school students in Rasht in the second semester of the 1402 academic year. To collect data, the Levenson Self-Report Sociopath Scale (1995), the Childhood Trauma Questionnaire (Bernstein et al., 2003), the Schwarzer and Jerusalem General Self-Efficacy Questionnaire (JSPE) (1995), and the Inventory Parents and Peers Attachment-Revised (Armsden and Greenberg, 1987), were used. Path analysis modeling was used to analyze the data. The results showed that childhood traumatic experiences were associated with adolescent psychopathy only through the mediating effect of attachment to parents and peers ($p < 0.05$). However, self-efficacy was associated with adolescent psychopathy both directly and through the mediating effect of attachment to parents and peers ($p < 0.05$). Attachment to parents and peers play an important role as mediating factors in the relationship between childhood trauma and self-efficacy with psychopathic personality in adolescents. These findings highlight the importance of paying attention to mediating factors in adolescent psychological processes and can provide strategies for intervention and prevention of psychopathic behaviors in this age group.

Keywords: Psychopath; Attachment; Childhood Trauma; Self-Efficacy; Adolescent.

چکیده

جامعه‌ستیزی به‌عنوان یک اختلال شخصیتی پیچیده، بر تعاملات فرد و درک احساسات تأثیر گذاشته و می‌تواند به رفتارهای آسیب‌رسان منجر شود. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی دلبستگی والدین و همسالان در رابطه بین تروماهای دوره کودکی و خودکارآمدی با شخصیت جامعه‌ستیزی در نوجوانان انجام شد. این پژوهش، یک مطالعه مقطعی با طرح همبستگی بود. نمونه پژوهش شامل ۳۸۲ دانش‌آموز پایه‌های دهم و یازدهم بود که به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس از میان کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر رشت در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۲ انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه خودگزارشی جامعه‌ستیزی لوینسون (۱۹۹۵)، پرسشنامه ترومای دوره کودکی برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳)، مقیاس خودکارآمدی عمومی شوارتز و جروسلم (۱۹۹۵) و سیاهه تجدید نظر شده دلبستگی والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷)، استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش مدل‌یابی مبتنی بر تحلیل مسیر استفاده شد. تجربیات تروماهای دوره کودکی تنها به‌واسطه اثر میانجی دلبستگی والدین و همسالان، با جامعه‌ستیزی نوجوانان در ارتباط بود ($p < 0.05$). با این حال خودکارآمدی هم به‌طور مستقیم و هم به‌واسطه اثرگذاری متغیر میانجی دلبستگی والدین و همسالان با جامعه‌ستیزی نوجوانان رابطه داشت ($p < 0.05$). دلبستگی والدین و همسالان به‌عنوان عوامل میانجی در رابطه بین تروماهای دوره کودکی و خودکارآمدی با شخصیت جامعه‌ستیزی در نوجوانان نقش مهمی ایفا می‌کنند.

یافته‌ها اهمیت توجه به عوامل میانجی در فرآیندهای روان‌شناختی نوجوانان را برجسته کرده و می‌تواند راهکارهایی برای مداخله و پیشگیری از رفتارهای جامعه‌ستیزانه در این گروه سنی ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌ستیز، دلبستگی، تروما دوره کودکی، خودکارآمدی، نوجوان.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۶ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۷/۶

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

● مقدمه

جامعه‌ستیزی (psychopathy) نوعی اختلال شخصیتی است که ارتباط نزدیکی با اختلال شخصیت ضداجتماعی (antisocial personality disorder) دارد و با ویژگی‌هایی همچون فقدان احساس گناه، نگرانی اندک نسبت به رنج دیگران، وابستگی سطحی و بی‌تمایلی به وفاداری از دیگر مجرمان ضداجتماعی متمایز می‌شود (ویدینگ و مک‌کروری، ۲۰۱۸). فقر هیجانی و فقدان همدلی از نشانه‌های بارز این اختلال به شمار می‌رود (کرینگ و همکاران، ۲۰۱۳). کلکلی (۱۹۸۸) علاوه بر جنبه‌های مخرب، به خصوصیات انطباقی مانند جذابیت سطحی، فقدان اضطراب و هوش بالا نیز اشاره کرده است (موری و همکاران، ۲۰۱۸). شیوع جامعه‌ستیزی در جمعیت‌های خاص مانند زندانیان، افراد بی‌خانمان و بیماران روان‌پزشکی حدود ۲۵ درصد و در جمعیت عمومی حدود ۱ درصد گزارش شده است (کامپوس و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، در نمونه نوجوانان مورد مطالعه، شیوع آن ۵۲/۱۳ درصد گزارش شده است (۳۰/۱۷ درصد پسران و ۱۰/۱۰ درصد دختران) که ضرورت بررسی عوامل مرتبط با جامعه‌ستیزی در این سنین را نشان می‌دهد (مردانشاهی و همکاران، ۱۴۰۳).

تروماهای دوره کودکی (childhood traumas)، تلاطم‌های قوی و غالباً تکرار شونده‌ای هستند که پیامدهای نامطلوب فیزیکی و اجتماعی شدیدی را به همراه دارند (آیرلند و همکاران، ۲۰۲۰؛ باقری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹؛ به نقل از جراره و سیفوری، ۱۴۰۲). این تجربیات با بی‌نظمی‌های عاطفی و رفتاری (ازجمله پرخاشگری، تکانشگری، خطاهای شناختی، طرحواره‌های ناسازگار و مشکلات بین‌فردی) مرتبطاند (د آندریا و همکاران، ۲۰۱۲) و از طریق همین مکانیزم‌ها به بروز یا تشدید صفات جامعه‌ستیزی پیوند می‌یابند (آیرلند و همکاران، ۲۰۲۰). اگرچه، برخی مطالعات، ارتباط معناداری نیافته‌اند (برای مثال، بدول و هیکمن، ۲۰۲۳) و یا تأثیر آن را وابسته به نوع جامعه‌ستیزی (موریرا و همکاران، ۲۰۲۰) و جنسیت (دی روتر، ۲۰۲۲) گزارش کرده‌اند، اما اکثریت مطالعات تروما را محرک رفتارهای ضداجتماعی و صفات جامعه‌ستیز بزرگسالی می‌دانند (اوربچی، ۲۰۲۴؛ گاروفالو و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین شواهدی موجود است که نشان می‌دهد تأثیر تروما بر صفات جامعه‌ستیز اغلب از طریق مسیرهای واسطه‌ای به‌ویژه سبک‌های دلبستگی عمل می‌کند (ون‌بک و همکاران، ۲۰۲۴).

دلبستگی والدین و همسالان (parents and peers attachment) به‌عنوان بنیان سازمان‌دهی هیجانی و اجتماعی، نقش کلیدی در روندهای تحولی منجر به جامعه‌ستیزی دارد. دلبستگی ایمن با پایداری به معیارهای فرهنگی، پذیرش اجتماعی، سلامت روانی، سازگاری هیجانی-اجتماعی و کاهش رفتارهای ضداجتماعی مرتبط است (حجتی و همکاران، ۱۴۰۰؛ برایسون و همکاران، ۲۰۲۳؛ سالادینو و همکاران، ۲۰۲۴)، درحالی‌که دلبستگی ناایمن با صفات جامعه‌ستیز و بی‌احساس-غیرعاطفی پیوند دارد (کوههوف و همکاران، ۲۰۲۰؛ اوربچی، ۲۰۲۴؛ کیرانیدس و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، شواهد نشان می‌دهد تجارب آسیب‌زای کودکی می‌توانند دلبستگی ایمن را مختل و به سبک‌های ناایمن در بزرگسالی منجر شوند (لیبرمن، ۲۰۰۴؛ کاراتزیاس و همکاران، ۲۰۲۲؛ کارنا و سیمون، ۲۰۲۴؛ سیلوا و همکاران، ۲۰۲۴). افزون‌بر این، سبک‌های دلبستگی با میزان شیوع و شدت و کیفیت مواجهه با تروماهای کودکی نیز در ارتباط است (وسترمانز و همکاران، ۲۰۲۱).

یکی از سازه‌های شناختی-هیجانی که تحت تأثیر کیفیت دلبستگی اولیه شکل می‌گیرد و می‌تواند مسیر رفتارهای ضداجتماعی را تعدیل کند، خودکارآمدی (self-efficacy) است؛ یعنی اعتماد فرد به توانایی انجام موفق وظایف چالش‌برانگیز (بندورا و وسلز، ۱۹۹۷). برخی پژوهش‌ها، رابطه منفی میان خودکارآمدی و رفتار ضداجتماعی را نشان داده‌اند (علی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲؛ احمد و اسلام، ۲۰۲۳؛ رادا و همکاران، ۲۰۲۵)، اما برخی یافته‌ها نیز وجود خودکارآمدی بالا را با رفتارهای جامعه‌ستیز مرتبط دانسته‌اند (حافظ و همکاران، ۲۰۲۴؛ اونگ و لوید، ۲۰۲۴). رابطه میان دلبستگی و خودکارآمدی نیز گزارش شده است (جلیل‌نصرآباد سفلی و همکاران، ۱۳۹۹؛ رقیبی و همکاران، ۱۴۰۰). گرچه در پژوهش کهرآزنی و بامدی (۱۳۹۶)، این رابطه فقط برای دلبستگی به همسالان معنادار بود.

جامعه‌ستیزی حاصل تعامل پیچیده عوامل زیستی و محیطی است و دلبستگی والدین و همسالان در هر دو مسیر تحولی، نقشی بنیادین دارد. در مسیر زیستی، نقص‌های عصب‌شناختی مانند کاهش فعالیت آمیگدال و اختلال در شبکه‌های پردازش هیجان، شکل‌گیری دلبستگی ایمن را از ابتدای زندگی مختل کرده و تعاملات اجتماعی و سازماندهی

هیجانی را آسیب می‌زنند. به عبارت دیگر، این افراد به سبب محدودیت‌های نورویولوژیک، توانمندی‌های لازم برای ورود به چرخه طبیعی تعامل - بازخورد - دلبستگی را کسب نمی‌کنند و همین نقص بنیادین، به شکل‌گیری الگوهای شخصیتی جامعه‌ستیزی در آنها می‌انجامد. در مسیر محیطی، سبک‌های دلبستگی ناایمن ناشی از طرد، بی‌توجهی یا سوءرفتار، مکانیزم انتقال اثر تروما به جامعه‌ستیزی هستند. در هر دو مسیر، دلبستگی نقش واسطه‌ای دارد و انتخاب آن به‌عنوان متغیر میانجی علاوه‌بر پشتوانه نظری، بر شواهد تجربی استوار است؛ چراکه واسطه‌های شناختی - هیجانی دیگر (مثل خودپنداره منفی یا دشواری تنظیم هیجان) نیز تحت تأثیر دلبستگی شکل می‌گیرند (کیرانیدس و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، دلبستگی والدین و همسالان به‌دلیل جایگاه تحولی خود، متغیر میانجی مناسبی برای تبیین جامعه‌ستیزی محسوب می‌شود.

ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی دلبستگی والدین و همسالان در رابطه میان ترومای کودکی و خودکارآمدی با صفات جامعه‌ستیزی در نوجوانان طراحی شده است.

• روش

پژوهش حاضر با رویکرد همبستگی و استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه یک شهر رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۲ بود. نمونه تحقیق شامل ۳۸۲ دانش‌آموز پایه‌های دهم و یازدهم از ۸ دبیرستان (۴ دخترانه و ۴ پسرانه) بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل سن ۱۵ تا ۱۷ سال، تحصیل در پایه دهم یا یازدهم و تمایل به مشارکت در پژوهش و معیار خروج، تکمیل ناقص ابزار تحقیق بود.

کد اخلاق این پژوهش با شناسه ETHICS-2402-1087 از کمیته زیست‌پزشکی دانشگاه گیلان اخذ شد. پیش‌از اجرای پژوهش، اهداف مطالعه، محرمانگی اطلاعات و نحوه استفاده از نتایج برای نوجوانان توضیح داده شد و پس از کسب رضایت آنها، پرسشنامه‌ها توزیع گردید. از شرکت‌کنندگان خواسته شد با دقت و صداقت پاسخ دهند، از پاسخ تصادفی پرهیز کنند و در صورت ابهام، از پژوهشگر راهنمایی بگیرند. فرایند جمع‌آوری داده‌ها حدود یک‌هفته طول کشید و درنهایت، داده‌های ۳۷۷ نفر کامل و قابل تحلیل بود؛ داده‌های باقی‌مانده به دلیل پاسخ ناقص حذف شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و Amos نسخه ۲۴ انجام شد و نتایج به صورت جداول توصیفی ارائه گردید.

• ابزارها

الف) پرسشنامه خودگزارشی جامعه‌ستیزی لوینسون (Levenson self-report psychopathy scale-LSRP)

این پرسشنامه توسط لوینسون و همکاران (۱۹۹۵) برای سنجش ویژگی‌های جامعه‌ستیزی اولیه و ثانویه طراحی شده و شامل ۲۶ ماده است که با مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای از «بسیار مخالف» تا «بسیار موافق» پاسخ داده می‌شود. در نسخه اصلی، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اولیه ۰/۸۳ و برای عامل ثانویه ۰/۷۴ گزارش شده است (انستیس و همکاران، ۲۰۱۷). ساختار سه‌عاملی این ابزار در مطالعات اخیر نیز تأیید شده و روایی همگرا و سازه‌ای آن حمایت شده است (ماگاروتو ماچادو و همکاران، ۲۰۲۴). در ایران، نسخه فارسی پرسشنامه در چندین مطالعه بررسی شده و ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۰ و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی تأییدی گزارش شده است (دلجو و همکاران، ۱۴۰۱؛ حیدری و همکاران، ۱۴۰۱).

ب) پرسشنامه ترومای دوره کودکی (childhood trauma questionnaire- CTQ)

همکاران (۲۰۰۳) طراحی شده و شامل ۲۸ ماده با مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «هرگز» تا «همیشه» است و ۵ نوع تروما، شامل سوءاستفاده عاطفی، سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جسمی را می‌سنجد. ساختار پنج‌عاملی آن در مطالعات متعددی تأیید شده است (کروز، ۲۰۲۳) و روایی سازه و همگرایی آن با شاخص‌هایی مانند افسردگی و اضطراب مطلوب

گزارش شده است. همچنین، بادنس-ریبرا و همکاران (۲۰۲۴) اعتبار درونی مقیاس را ۰/۸۹ و اعتبار آزمون-بازآزمون را ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. نسخه فارسی این ابزار نیز در پژوهش‌های مختلف بررسی و ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۹ گزارش شده است (انفعال و همکاران، ۱۴۰۰؛ کیوانلو و عطادوخت، ۱۴۰۳) همچنین روایی محتوایی، صوری و ملاکی آن تأیید شده است (انفعال و همکاران، ۱۴۰۰).

ج) مقیاس خودکارآمدی عمومی (general self-efficacy scale- GSE-10): این مقیاس که توسط شوارتز و جروسل (۱۹۹۵) طراحی شده، شامل ۱۰ ماده است و براساس طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای از «اصلاً درست نیست (۱)» تا «کاملاً درست است (۴)» پاسخ داده می‌شود. مطالعات بین‌المللی، روایی و اعتبار مناسبی را برای این ابزار نشان داده‌اند؛ آلفای کرونباخ در پژوهش‌ها بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۱ گزارش و ساختار تک‌عاملی آن توسط تحلیل عاملی تأییدی تأیید شده است (شوارتز و جروسل، ۱۹۹۵؛ اسکلیاروا، ۲۰۲۳). در ایران نیز نسخه فارسی این مقیاس در مطالعات متعددی اعتبار درونی قابل قبول (آلفای کرونباخ ۰/۸۲ تا ۰/۹۴) و روایی سازه و همگرایی مطلوب را نشان داده است (امام‌قلی‌زاده بابلی و همکاران، ۱۴۰۲).

د) سیاهه تجدید نظر شده دلبستگی والدین و همسالان (revised IPPA-R): این سیاهه توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) تهیه شده، شامل ۲۴ ماده خودسنجی است که دلبستگی ادراکی به والدین و همسالان را در نوجوانان و بزرگسالان می‌سنجد. این ابزار سه مؤلفه ارتباط، اعتماد و بیگانگی را با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای ارزیابی می‌کند. در مطالعات بین‌المللی، اعتبار درونی مطلوب (آلفای کرونباخ ۰/۷۴ تا ۰/۹۰) و ساختار سه‌عاملی قابل قبول گزارش شده است (دیمیترو و همکاران، ۲۰۲۲). در ایران نیز اعتبار برای دلبستگی به مادر، پدر و همسالان بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۲ تخمین زده شده است (افشاریان و کدیور، ۱۳۹۵؛ شکرالله‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، شواهد کافی درباره روایی سازه نسخه فارسی موجود نیست.

• یافته‌ها

در مطالعه حاضر از میان ۳۷۷ مشارکت‌کننده مورد مطالعه، ۱۷۹ نفر از آنها پسر (۴۷/۵۰ درصد) و ۱۹۸ نفر دختر (۵۲/۵۰ درصد) بودند. ۱۸/۳۰ درصد (۶۹ نفر) از آنها ۱۵ سال، ۵۳/۱۰ درصد (۲۰۰ نفر) ۱۶ سال و ۲۸/۶۰ درصد (۱۰۸ نفر) ۱۷ سال سن داشتند. ۶۴/۷۰ درصد (۲۴۴ نفر) از پایه دهم و ۳۵/۳۰ درصد (۱۳۳ نفر) از پایه یازدهم بودند که از این بین ۴۴/۸۰ درصد (۱۶۹ نفر) از آنها در رشته انسانی، ۲۴/۷۰ درصد (۹۳ نفر) در رشته تجربی و ۱۶/۷۰ درصد (۶۳ نفر) در رشته ریاضی تحصیل می‌کردند. ۲۱/۲۰ درصد (۸۰ نفر) از این دانش‌آموزان، تک‌فرزند، ۳۹/۵۰ درصد (۱۴۹ نفر) دارای یک خواهر یا برادر، ۱۲/۲۲۰ درصد (۴۶ نفر) دارای دو خواهر/برادر و ۳/۷۰ درصد (۱۴ نفر) از آنها دارای حداقل ۳ خواهر/برادر بودند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، کشیدگی، چولگی و رابطه همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی جامعه‌سنجی	دلبستگی والدین	دلبستگی همسالان	ترومای کودکی	خودکارآمدی
جامعه‌سنجی	۷۱/۹۰	۱۰/۹۸	۰/۲۷	۰/۴۰	۱			
دلبستگی والدین	۴۱/۷۶	۹/۱۶	-۰/۷۲	۰/۰۴	۱			
دلبستگی همسالان	۳۵/۵۴	۶/۵۳	۰/۰۱	-۰/۴۶	**۰/۲۷	۱		
ترومای کودکی	۳۷/۳۹	۱۳/۹۴	۱/۳۶	۱/۳۱	**۰/۶۳	**۰/۲۲	۱	
خودکارآمدی	۲۹/۳۳	۵/۱۱	-۰/۳۲	۱/۴۳	**۰/۲۷	*۰/۱۳	**۰/۲۳	۱

**۰/۰۱ < p

با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی کمتر از ± 2 (کارسون، ۲۰۰۳؛ به نقل از کلاین، ۲۰۰۵) در جدول ۱، توزیع متغیرها در دانش‌آموزان، بهنجار است.

این پژوهش برای آزمون نقش واسطه‌ای دلبستگی والدین و همسالان در روابط بین ترومای کودکی و خودکارآمدی با جامعه‌سنجی، از روش الگویابی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده کرد. مدل پیشنهادی شامل ۴ متغیر (یک متغیر درون‌زا، دو متغیر برون‌زا و یک متغیر واسطه‌ای) بود. به‌منظور بهبود برازندگی مدل، پس از اصلاحات، تحلیل مجدد داده‌ها انجام شد. نتایج برازش مدل پیش و پس از اصلاحات در جدول ۲ ارائه شده است.

در الگوی پیشنهادی، ۴ مسیر غیرمستقیم وجود دارد. جهت تعیین معناداری هریک از روابط میانجی و اثر غیرمستقیم از افزونه process macro با ضریب بوت استرپ ۵۰۰۰ و سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده گردید. نتایج بوت استرپ مسیرهای میانجی در جدول ۴ ارائه شده است. براساس نتایج جدول ۴، با توجه به قرار گرفتن اثر غیرمستقیم در بازه فاصله اطمینان برای هر ۴ مسیر، می توان گفت که روابط غیرمستقیم بین ترومای کودکی و خودکارآمدی با جامعه‌ستیزی از طریق دلبستگی والدین و همسالان، معنادار است.

جدول ۴. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیرمستقیم الگوی پژوهش

مسیر	اثر کل بدون میانجی	اثر مستقیم با میانجی	اثر غیرمستقیم	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	نتیجه‌گیری
ترومای کودکی → دلبستگی والدین → جامعه‌ستیزی	۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۱۹	کران پایین ۰/۱۲ کران بالا ۰/۲۷	نقش واسطه‌ای
ترومای کودکی → دلبستگی همسالان → جامعه‌ستیزی	۰/۱۲	۰/۲۶	۰/۰۳	کران پایین ۰/۰۰ کران بالا ۰/۰۶	نقش واسطه‌ای
خودکارآمدی → دلبستگی والدین → جامعه‌ستیزی	۰/۱۹	-۰/۲۴	-۰/۲۴	کران پایین -۰/۳۵ کران بالا -۰/۱۴	نقش واسطه‌ای
خودکارآمدی → دلبستگی همسالان → جامعه‌ستیزی	۰/۰۸	-۰/۴۳	-۰/۰۵	کران پایین -۰/۰۱ کران بالا -۰/۰۱	نقش واسطه‌ای

• بحث

این پژوهش به تعیین نقش واسطه‌ای دلبستگی والدین و همسالان در ارتباط بین ترومای کودکی و خودکارآمدی با جامعه‌ستیزی نوجوانان پرداخت. نتایج نشان داد که دلبستگی به‌عنوان یک متغیر میانجی، رابطه بین ترومای کودکی و جامعه‌ستیزی را به‌طور معناداری توضیح می‌دهد. این یافته با نظریه دلبستگی بولبی (۱۹۶۹) سازگار است؛ براساس این نظریه، روابط اولیه با والدین بستر شکل‌گیری مدل‌های کاری درونی و مهارت‌های تنظیم هیجان هستند و آسیب در این روابط می‌تواند به الگوهای هیجانی و رفتاری ناسازگار، ازجمله جامعه‌ستیزی، منجر شود. برای درک کامل مکانیزم اثرگذاری متغیر میانجی، بررسی روابط مستقیم میان متغیرها ضروری است.

در این پژوهش رابطه مستقیم معناداری میان ترومای کودکی و جامعه‌ستیزی مشاهده نشد. این یافته با نتایج بدول و هیکن (۲۰۲۳) همسو، اما با یافته‌های اوريجی (۲۰۲۴) و گارفالو و همکاران (۲۰۲۵) در تضاد است. یکی از دلایل احتمالی این تفاوت، شیوه سنجش جامعه‌ستیزی است؛ ابزار به‌کاررفته دو زیرنوع اصلی جامعه‌ستیزی را می‌سنجد که هرکدام ویژگی‌ها و عوامل زمینه‌ای متفاوتی دارند و نمره کل ممکن است این تفاوت‌ها را پوشش ندهد. مطابق مدل‌های چندعاملی جامعه‌ستیزی (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۹)، زیرمقیاس‌ها ممکن است تحت تأثیر مسیرهای زیستی، شناختی و محیطی متفاوت باشند و به همین دلیل رابطه کلی با ترومای کودکی همیشه آشکار نباشد. علاوه بر این، تفاوت در نوع رفتارهای تروماتیک و نحوه پردازش آنها می‌تواند بر صفات جامعه‌ستیزی اثرگذار باشد و نقش عوامل میانجی را در توضیح این نبود ارتباط برجسته کند.

تحلیل‌ها نشان داد که جامعه‌ستیزی با دلبستگی والدین رابطه معکوس دارد، اما با دلبستگی همسالان ارتباط معناداری نشان نداد. یافته مرتبط با والدین با پژوهش‌های زاکری هرنیدی و دارابی (۱۴۰۳)، سلادینو و همکاران (۲۰۲۴)، اوريجی (۲۰۲۴) و کیرانیدس و همکاران (۲۰۲۴) همسو است، درحالی‌که یافته مرتبط با همسالان با این مطالعات متفاوت است. نظریه دلبستگی بیان می‌کند که دلبستگی ایمن والدین با فراهم کردن حمایت هیجانی، مهارت‌های مدیریت هیجان و درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی، از بروز صفات جامعه‌ستیز پیشگیری می‌کند. ازسوی دیگر، عوامل زیستی (نقص عاطفی ارثی) یا محیطی (طرد و تروماهای مکرر) شکل دهنده صفات جامعه‌ستیزی می‌توانند همزمان دلبستگی والدین را تضعیف کنند. در باره دلبستگی همسالان، اگر چه صفاتی مانند فریبکاری ممکن است روابط اولیه موفق را ایجاد کنند، اما این روابط ناپایدار بوده و نهایتاً به از دست رفتن اعتبار اجتماعی می‌انجامد.

یافته‌ها نشان دادند که تجارب ترومای کودکی با دلبستگی والدین و همسالان رابطه معکوس دارد (کارنا و سیمون، ۲۰۲۴؛ سیلوا و همکاران، ۲۰۲۴)، اما شدت این ارتباط برای دلبستگی به والدین بالاتر بود. از منظر تحولی، تروماهای اولیه با فعال‌سازی مکرر سامانه‌های استرس و دفاعی، کیفیت پیوند دلبستگی را تضعیف کرده و الگوهای اجتنابی یا دوسوگرا ایجاد می‌کنند. این تجارب، صرف‌نظر از منبع آسیب، احساس امنیت روانی را کاهش داده و در نوجوانی به ضعف دلبستگی عاطفی به والدین و اجتناب از روابط عمیق با همسالان منجر می‌شوند. تروما همچنین مهارت‌های اجتماعی را تضعیف، مکانیسم‌های دفاعی ناسازگار (مانند انزوا و پرخاشگری) را تقویت و

مشکلات روانی از جمله افسردگی و اضطراب را تشدید می‌کند. به منظور درک بهتر نحوه عمل و اثرگذاری متغیر میانجی در این رابطه، به بررسی روابط مستقیم میان متغیرها خواهیم پرداخت.

در مواقعی که والدین خود منبع بدرفتاری باشند، آسیب به دلبستگی شدیدتر است. نظریه دلبستگی (بولبی، ۱۹۶۹؛ ایزنورث، ۱۹۸۹) تأکید دارد که والدین نخستین بستر تحول هیجانی و اجتماعی‌اند و آسیب در آنها علاوه بر اختلال کارکرد حمایتی، بنیان شناختی و هیجانی امنیت روانی را نیز تخریب می‌کند. شواهد عصب‌زیستی نشان می‌دهد چنین تجاربی سیستم‌های نورویولوژیکی پردازش هیجان و کنترل تکانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (تیچر و همکاران، ۲۰۱۶)؛ که با الگوهای افراد جامعه‌ستیز همپوشانی دارد. پژوهش‌های تحولی نیز نشان داده‌اند که طرد و بدرفتاری والدین بیشترین نقش را در پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی ناایمن دارند و بیش از سایر منابع تروما، روابط دلبستگی را تخریب می‌کنند (میکولینسر و شیور، ۲۰۱۰). در نتیجه، ضریب نسبتاً بالای مسیر بدرفتاری دوره کودکی به دلبستگی والدین در این پژوهش ($\beta = -0/67$) می‌تواند ناشی از جایگاه بنیادین پیوند والد-فرزند و نقش تقویت‌کننده بدرفتاری والدین باشد. علاوه بر این، ماهیت خودگزارشی ابزار ممکن است شدت برآورد این رابطه را تشدید کرده باشد.

با توجه به این تبیین‌ها، دلبستگی‌های تضعیف‌شده در نتیجه تجربیات تروماتیک می‌توانند از طریق تأثیر بر پیامدهای ناشی از این تجارب، مانند کاهش احساس امنیت، ترس، اجتناب از روابط عاطفی، ضعف مهارت‌های اجتماعی، ایجاد مکانیسم‌های دفاعی ناکارآمد و مشکلات روانی، تغییرات جامعه‌ستیزی را موجب شوند. این عوامل با مختل کردن رشد عاطفی و اجتماعی سالم، کاهش همدلی و خودتنظیمی و تقویت الگوهای رفتاری ناسازگار، می‌توانند بروز یا تشدید ویژگی‌های جامعه‌ستیزی را در نوجوانان توجیه کنند. همچنین به نظر می‌رسد دلبستگی والدین، که پیش‌تر به واسطه تجربیات تروماتیک تضعیف شده است، به خودی خود و به‌طور مستقیم نیز قادر است تغییراتی در سطح جامعه‌ستیزی ایجاد کند، به گونه‌ای که دلبستگی ضعیف به والدین می‌تواند با تضعیف رشد همدلی، وجدان اخلاقی و توانایی برقراری روابط سالم، زمینه‌ساز بروز ویژگی‌های جامعه‌ستیزی مانند رفتارهای ضداجتماعی و تمایل به کنترل دیگران شود.

یافته‌های پژوهش همچنین نقش میانجی دلبستگی والدین و همسالان در رابطه میان خودکارآمدی و جامعه‌ستیزی نوجوانان را تأیید کرد. خودکارآمدی با جامعه‌ستیزی رابطه معکوس داشت؛ این نتیجه با مطالعات علی‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، احمد و اسلام (۲۰۲۳) و رادا و همکاران (۲۰۲۵) همسو است، اما با اونگ و لوی (۲۰۲۴) و حافظ و همکاران (۲۰۲۴) متفاوت است. انحراف اجتماعی یکی از مولفه‌های جامعه‌ستیزی، ممکن است باعث کاهش حمایت اجتماعی و احساس فقدان کنترل بر زندگی شود که این موضوع خودکارآمدی را کاهش داده و فرد را به باور ناتوانی در تغییر رفتار و مقابله با مشکلات می‌رساند. از سوی دیگر، خودکارآمدی پایین مقاومت فرد را در برابر فشارهای اجتماعی کاهش داده و احتمال رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد. همچنین افراد جامعه‌ستیز دارای حس خودبزرگ‌بینی نسبت به اهمیت خود هستند که در دوره نوجوانی تشدید می‌شود. اما در پس این خودبزرگ‌بینی، عزت‌نفس شکننده وجود دارد که آنها را نسبت به انتقاد و شکست حساس‌تر می‌کند. خودکارآمدی پایین این آسیب‌پذیری را تشدید کرده و ممکن است نوجوانان جامعه‌ستیز برای جلب توجه یا جبران ضعف‌های خود به رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی روی آورند.

خودکارآمدی با دلبستگی والدین رابطه مستقیم داشت اما با دلبستگی همسالان ارتباط معنادار نشان نداد. این یافته با پژوهش‌های جلیل نصرآباد سفلی و همکاران (۱۳۹۹) و رقیبی و همکاران (۱۴۰۰) در مورد دلبستگی والدین همسو است، اما با دلبستگی همسالان متفاوت است. همچنین با نتایج کهرآزنی و بامدی (۱۳۹۶) در باره دلبستگی والدین در تضاد و در زمینه دلبستگی همسالان هم‌خوانی دارد. والدین، به‌عنوان نخستین منبع حمایت عاطفی و اجتماعی نوجوان، نقش کلیدی در ایجاد احساس امنیت و اعتماد به نفس دارند. دلبستگی ایمن به والدین این احساسات را تقویت و الگوهای مثبتی مانند تلاش برای اهداف، مدیریت چالش‌ها و مواجهه سازگارانه با ناکامی‌ها را به نوجوان منتقل می‌کند. همچنین حمایت عاطفی والدین انگیزه مشارکت فعال نوجوان در فعالیت‌ها و توانایی او در مدیریت هیجانات را تقویت می‌کند. عواملی که در مجموع حس خودکارآمدی را ارتقا می‌دهند.

با توجه به اینکه در نوجوانی گرایش دلبستگی از والدین به همسالان افزایش می‌یابد، این گرایش بسته به نوع گروه همسالان می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر خودکارآمدی داشته باشد؛ گروه‌های ناسالم ممکن است احساس ناتوانی را تقویت و خودکارآمدی را کاهش دهند،

درحالی که خودکارآمدی بالا می تواند مانع تعمیق دلبستگی همسالان شود، زیرا با اتکای بیشتر به خود، استقلال بالاتر و احساس بی نیازی عاطفی و مادی همراه است.

درنهایت، دلبستگی قوی تر به والدین می تواند هم از طریق افزایش خودکارآمدی و هم از طریق کاهش مستقیم نشانه های جامعه ستیزی در این رابطه نقش میانجی داشته باشد. نبود ارتباط مستقیم خودکارآمدی و جامعه ستیزی با دلبستگی همسالان قابل تأمل است و ممکن است دلبستگی همسالان با تأثیر بر متغیر واسطه ای دیگری، مانند خودپنداره، نقش میانجی را ایفا کند که در این مطالعه بررسی نشده است.

• نتیجه گیری

یافته های این پژوهش اهمیت نقش میانجی دلبستگی والدین و همسالان را در پیوند بین تجارب ترومای کودکی و خودکارآمدی با رفتارهای جامعه ستیزانه نوجوانان برجسته می کند. نتایج نشان داد که اگرچه ترومای کودکی به طور مستقیم با جامعه ستیزی رابطه ای ندارد، اثرات آن از طریق تضعیف دلبستگی والدین و همسالان می تواند به شکل معناداری رفتارهای جامعه ستیزانه را تشدید کند. به عبارت دیگر، دلبستگی عاطفی قوی والدین و همسالان همچون سپری محافظ عمل کرده و تأثیر مخرب تجارب منفی دوره کودکی را کاهش می دهد.

خودکارآمدی علاوه بر ارتباط مستقیم با جامعه ستیزی، از طریق ارتقای کیفیت دلبستگی والدین و همسالان نیز بر این رفتارها اثر غیرمستقیم دارد. این یافته بر نقش محوری منابع حمایتی اولیه در پیشگیری از بروز یا تشدید گرایش های ضداجتماعی تأکید می کند. از محدودیت های مهم این پژوهش می توان به نبود کنترل متغیرهای سطح دوم و چندسطحی در مدل معادلات ساختاری اشاره کرد؛ عواملی که می توانند نقش تعدیل کننده در روابط میان متغیرهای اصلی داشته باشند و نبود آنها تعمیم پذیری نتایج را محدود می سازد. همچنین، ماهیت مقطعی مطالعه مانع استنتاج قطعی روابط علی می شود. بر این اساس، طراحی و اجرای مداخلات پیشگیرانه و آموزشی با محوریت تقویت دلبستگی عاطفی در خانواده و میان همسالان ضروری به نظر می رسد. برنامه های حمایتی برای والدین که هدف آن ایجاد روابط مثبت و محیطی امن و حمایتگرانه است، می تواند علاوه بر ارتقای دلبستگی، حس خودکارآمدی نوجوانان را تقویت کرده و در کاهش رفتارهای بزهکارانه و جامعه ستیزانه مؤثر باشند.

• تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اذعان دارند که در این پژوهش، هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

• تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله از دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش و سازمان آموزش و پرورش شهر رشت سپاسگزاری می کنند.

• منابع

- افشاریان، ن.، و کدیور، پ. (۱۳۹۵). نقش دلبستگی به والدین و همسالان و ازخودبیگانگی روانی در پیش بینی رفتار خرابکارانه نوجوانان. *اندیشه های نوین تربیتی*، ۱۲(۱)، ۶۱-۷۸. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2016.2270>
- امام قلی زاده بابلی، ا.، پاشایی ثابت، ف.، و فتوکیان، ز. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی عمومی در سالمندان مبتلا به ناتوانی جسمی - حرکتی. *مجله پژوهش پرستاری ایران*، ۱۸(۱)، ۲۱-۳۳. <http://ijnr.ir/article-1-2735-fa.html>
- انفعال، ن.، امیدوار، ب.، و زارع نژاد، م. (۱۴۰۰). پیش بینی صفات سازمان شخصیت مرزی براساس ترومای دوره کودکی و جو عاطفی خانواده در افراد معنادار به مواد مخدر. *مجله علمی پژوهان*، ۱۹(۳)، ۱-۱۱. <https://doi.org/10.61186/psj.19.3.1>
- جراره، ج.، و سیفوری، ا. (۱۴۰۲). پیش بینی اختلال های شخصیت براساس ترومای پیچیده و روابط موضوعی با میانجی گری توانمندی ایگو در دانشجومعلمان. *مجله روان شناسی*، ۲۷(۱۰۵)، ۸۴-۹۴. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/2046581>

جلیل نصرآباد سفلی، ک.، کدیور، پ.، و صرامی، غ. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌گری خودکارآمدی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های اسنادی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۶(۵۷)، ۹۷-۱۱۸.

<https://doi.org/10.22054/jep.2021.35224.2376>

حجتی، ق.، نقش، ز.، و خدایاری‌فرد، م. (۱۴۰۰). رابطه بین سبک دلبستگی و هویت اخلاقی: نقش واسطه‌ای همدلی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۵(۹۸)، ۲۱۵-۲۳۵.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1815748>

حیدری، ف.، شاملی، ل.، و هادیان‌فرد، ح. (۱۴۰۱). رابطه صفات سایکوپاتی و نگرش به روابط فرازان‌شویی: نقش واسطه‌ای هیجان‌جویی.

<https://doi.org/10.48308/JFR.18.3.569> ۵۸۹-۵۶۹، ۱۸(۳)، ۵۸۹-۵۶۹.

دلجو، ب.، بخشی‌پور رودسری، ع.، و فرنام، ع. (۱۴۰۱). مدل‌یابی ساختاری آسیب‌پذیری اولیه و ثانویه اختلال سایکوپاتی براساس سیستم‌های مغزی-رفتاری در دانشجویان پزشکی تبریز. *مجله تصویر سلامت*، ۱۳(۲)، ۲۳۴-۲۴۳.

<https://sid.ir/paper/965756/fa>

رقیبی، م.، شیخ، ه.، شمس‌الهی‌زاده، ی.، و جلمبادانی، م. (۱۴۰۰). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان در پیش‌بینی پرخاشگری و خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان. *فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران*، ۳۱(۳)، ۳۵۸-۳۶۵.

<https://sid.ir/paper/963447/fa>

شکرالله‌زاده، م.، سید موسوی، پ.، زاده‌محمدی، ع.، نصیری‌هانیس، غ.، و مهدی‌عراقی، م. (۱۴۰۰). رابطه دلبستگی به والدین و همسالان با بلوغ اجتماعی نوجوانان: بررسی نقش میانجی دلبستگی به همسالان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۷(۲)، ۹۱-۱۱۱.

<https://doi.org/10.22051/jontoe.2021.29351.2900>

علی‌پور، گ.، میری، ن.، و سعادت، س. (۱۴۰۲). پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی براساس ویژگی‌های شخصیت تاریک و بهزیستی معنوی در دانشجویان. *راهنماهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۶(۲)، ۱۴۴-۱۵۱.

<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1831166>

کرینگ، آ.، جانسون، ش.، دیویسون، ج.، و نیل، ج. (۲۰۱۳). آسیب‌شناسی روانی: علم و درمان اختلال‌های روان‌شناختی (ح. شمس‌پور و م. کچویی، مترجمان؛ چاپ سوم، جلد دوم). تهران: انتشارات ارجمند. (چاپ فارسی ۱۳۹۵).

کیوانلو، ص.، و عطادخت، ا. (۱۴۰۳). تدوین مدل علی آسیب‌پذیری نوجوانان به اعتیاد براساس حساسیت پردازش حسی و سیستم‌های مغزی-رفتاری با میانجی‌گری ترومای دوران کودکی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸(۱۰۹)، ۱۰۱-۱۱۱.

<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/2143865>

مردانشاهی، پ.، ابوالقاسمی، ع.، و سلطانی‌شال، ر. (۱۴۰۳). بررسی فراوانی اختلال شخصیت جامعه‌ستیز در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان رشت. در پنجمین کنفرانس ملی مطالعات آسیب‌شناسی روانی و روش‌های نوین درمان (تهران، ۲۸ شهریور ۱۴۰۳). مرکز توسعه و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای. (CDIS)

Ahmed, I., & Islam, T. (2023). Dark personality triad and cyber entrepreneurial intentions: The mediation of cyber entrepreneurial self-efficacy and moderation of positive thinking. *Kybernetes*, 52(9), 3022-3043. <https://doi.org/10.1108/K-05-2022-0765>

Ainsworth, M. D. S. (1989). Attachments beyond infancy. *American Psychologist*, 44(4), 709-716. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.44.4.709>

Anestis, J. C., Harrop, T. M., Green, B. A., & Anestis, M. D. (2017). Psychopathic personality traits as protective factors against the development of post-traumatic stress disorder symptoms in a sample of National Guard combat veterans. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 39, 220-229. <https://doi.org/10.1007/s10862-017-9588-8>

Armsden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The Inventory of Parent and Peer Attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16, 427-453. <https://doi.org/10.1007/BF02202939>

Badenes-Ribera, L., Georgieva, S., Tomás, J. M., & Navarro-Pérez, J. J. (2024). Internal consistency and test-retest reliability: A reliability generalization meta-analysis of the Childhood Trauma Questionnaire-Short Form (CTQ-SF). *Child Abuse & Neglect*, 154, 106941. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2024.106941>

Bandura, A., & Wessels, S. (1997). *Self-efficacy* (pp. 4-6). Cambridge University Press.

Bedwell, S. A., & Hickman, C. (2023). Effects of childhood trauma in psychopathy and response inhibition. *Development and Psychopathology*, 35(2), 724-729. <https://doi.org/10.1017/S0954579421001863>

Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child Abuse & Neglect*, 27(8), 169-190. [https://doi.org/10.1016/S0145-2134\(02\)00541-0](https://doi.org/10.1016/S0145-2134(02)00541-0)

- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. Basic Books.
- Bryson, S. L., Baker, T., Ray, J. V., & Metcalfe, C. (2023). Parents, peers, and low self-control: Exploring the impact of time varying factors associated with deviance in early- and middle-adolescence. *Journal of Criminal Justice*, 84, 102029. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2022.102029>
- Campos, C., Pasion, R., Azeredo, A., Ramião, E., Mazer, P., Macedo, I., & Barbosa, F. (2022). Refining the link between psychopathy, antisocial behavior, and empathy: A meta-analytical approach across different conceptual frameworks. *Clinical Psychology Review*, 94, 102145. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2022.102145>
- Cruz, D. (2023). Childhood Trauma Questionnaire–Short Form: Evaluation of factor structure and measurement invariance. *Child & Adolescent Trauma*, 16(4), 1099–1108. <https://doi.org/10.1007/s40653-023-00556-8>
- D’Andrea, W., Ford, J., Stolbach, B., Spinazzola, J., & van der Kolk, B. A. (2012). Understanding interpersonal trauma in children: Why we need a developmentally appropriate trauma diagnosis. *American Journal of Orthopsychiatry*, 82(2), 187–200. <https://doi.org/10.1111/j.1939-0025.2012.01154.x>
- De Ruiter, C., Burghart, M., De Silva, R., Griesbeck Garcia, S., Mian, U., Walshe, E., & Zouharova, V. (2022). A meta-analysis of childhood maltreatment in relation to psychopathic traits. *PLOS ONE*, 17(8), e0272704. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0272704>
- Demetriou, C., Charalampous, K., Uzun, B., & Essau, C. A. (2022). Validation of the Inventory of Parent and Peer Attachment in Cypriot clinical and non-clinical adolescents. *Child and Family Studies*, 31(10), 2756–2768. <https://doi.org/10.1007/s10826-022-02326-w>
- Garofalo, C., Delvecchio, E., Bogaerts, S., Sellbom, M., & Mazzeschi, C. (2025). Childhood trauma and psychopathy: The moderating role of resilience. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 17(3), 511–519. <https://doi.org/10.1037/tra0001687>
- Hafeez, S., Qadeer, F., John, A., Luu, T., Iqbal, A., Khan, M. Q., & Sarmad, I. (2024). Experience matters: Turning psychopathy into self-efficacy and job performance. *Asian Development Studies*, 13(2), 1071–1084. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4914230>
- Ireland, J. L., Mann, S., Lewis, M., Ozanne, R., McNeill, K., & Ireland, C. A. (2020). Psychopathy and trauma: Exploring a potential association. *International Journal of Law and Psychiatry*, 69, 101543. <https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2020.101543>
- Karna, A., & Simon, S. (2024). Exploring emotion regulation mechanisms and attachment styles in individuals with childhood trauma. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 22(1), 302–311. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2024.22.1.1061>
- Kyranides, M. N., Kokkinou, A., Imran, S., & Cetin, M. (2023). Adult attachment and psychopathic traits: Investigating the role of gender, maternal and paternal factors. *Current Psychology*, 42(6), 4672–4681. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-01827-z>
- Kyranides, M. N., Rennie, M., & McPake, L. (2024). Primary and secondary psychopathic traits: Investigating the role of attachment and experiences of shame. *The Journal of Psychology*, 158(2), 115–133. <https://doi.org/10.1080/00223980.2023.2211322>
- Levenson, M. R., Kiehl, K. A., & Fitzpatrick, C. M. (1995). Assessing psychopathic attributes in a noninstitutionalized population. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(1), 151–158.
- Magarotto Machado, G., Pereira da Silva, M. P., Sellbom, M., Hauck-Filho, N., & de Francisco Carvalho, L. (2024). Validity of the Expanded Levenson Self-Report Psychopathy (E-LSRP) in a Brazilian sample. *Deviant Behavior*, 1–17. <https://doi.org/10.1080/01639625.2024.2371584>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. Guilford Press.
- Moreira, D., Moreira, D. S., Oliveira, S., Ribeiro, F. N., Barbosa, F., Fávero, M., & Gomes, V. (2020). Relationship between adverse childhood experiences and psychopathy: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, 53, 101452. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2020.101452>
- Murray, J., Shenderovich, Y., Gardner, F., Mikton, C., Derzon, J. H., Liu, J., & Eisner, M. (2018). Risk factors for antisocial behavior in low- and middle-income countries: A systematic review of longitudinal studies. *Crime and Justice*, 47(1), 255–364. <https://doi.org/10.1086/696590>
- Orij, C. C. (2024). Recidivism: A correlation between social discrimination and socioeconomic status in families in Rivers State, Nigeria. *BW Academic Journal*, 10–10. <https://bwjournal.org/index.php/bsjournal/article/view/1837>
- Patrick, C. J., Fowles, D. C., & Krueger, R. F. (2009). Triarchic conceptualization of psychopathy: Developmental origins of disinhibition, boldness, and meanness. *Development and Psychopathology*, 21(3), 913–938.

- Rada, C., Dina, M. M., & Lunga, R. A. (2025). The impact of personality traits and the mediating role of self-efficacy and self-control on criminogenic behavior among Romanian inmates. *Scientific Reports*, 15(1), 18885. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-03043-2>
- Saladino, V., Fusco, A., Castellani, L., Calaresi, D., & Verrastro, V. (2024). Aggressive behavior among Italian justice-involved juveniles: The impact of attachment, discipline, and moral disengagement. *Psychology, Crime & Law*, 1–17. <https://doi.org/10.1080/1068316X.2024.2303496>
- Schwarzer, R., & Jerusalem, M. (1995). Generalized Self-Efficacy Scale. In J. Weinman, S. Wright, & M. Johnston (Eds.), *Measures in health psychology: A user's portfolio. Causal and control beliefs* (pp. 35–37). NFER-NELSON.
- Silva, A., Ferreira, S., Silva Pinto, É., Rocha, S. A., & Barbosa-Rocha, N. (2024). The relationship between childhood abuse and adult attachment styles: The mediator role of sensory over-responsivity. *Aggression, Maltreatment & Trauma*, 33(2), 236–254. <https://doi.org/10.1080/10926771.2023.2186298>
- Skliarova, T., Pedersen, H., Hafstad, H., Vaag, J. R., Lara-Cabrera, M. L., & Havnen, A. (2023). The construct validity of an abridged version of the general self-efficacy scale for adults with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Frontiers in Psychiatry*, 14, 1212961. <https://doi.org/10.3389/fpsyt.2023.1212961>
- Teicher, M. H., Samson, J. A., Anderson, C. M., & Ohashi, K. (2016). The effects of childhood maltreatment on brain structure, function, and connectivity. *Nature Reviews Neuroscience*, 17(10), 652–666. <https://doi.org/10.1038/nrn.2016.111>
- Ung, J., & Lloyd, C. D. (2024). Exploring the relationships between criminal self-efficacy factors and recidivism. *Legal and Criminological Psychology*, 29(2), 195–211. <https://doi.org/10.1111/lcrp.12265>
- van Beeck, M., Bogaerts, S., Sellbom, M., Somma, A., Fossati, A., Brehmer, Y., ... & Garofalo, C. (2024). The relationship between experiencing childhood trauma and psychopathic personality traits: The mediating role of insecure attachment. *Aggression, Maltreatment & Trauma*, 33(9), 1055–1072. <https://doi.org/10.1080/10926771.2024.2381558>
- Viding, E., & McCrory, E. J. (2018). Understanding the development of psychopathy: Progress and challenges. *Psychological Medicine*, 48(4), 566–577. <https://doi.org/10.1017/S0033291717002847>